

## شهر معاصر ایران: بنیادهای ساختارشناسی الگوی رانتی شهر ایرانی (مطالعه موردی: شهرکرد)

اسماعیل علی اکبری\*

دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۴/۱۰

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۲/۰۵

### چکیده

در دوره معاصر با ورود اقتصاد رانتی و گردش منابع رانت در ساختار اجتماعی و اقتصادی کشور، الگوی جدیدی از رشد شهری در ایران پدید آمده است. این مقاله می‌کوشد بر اساس مورد پژوهی شهرکرد بنیادهای ساختارشناسی الگوی رانتی شهر معاصر ایران را با رویکرد تبیینی و هنجاری معرفی و تحلیل نماید. داده‌ها مربوط به متغیرهای ساختار اقتصادی، اجتماعی، فضایی و منابع رانت است که به روش اسنادی برای ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۳ تهیه و با روش علی - تطبیقی پردازش شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد تسلط شهرنشینی خدماتی برآمده از روحیه رانت جویی در درون اقتصاد چرخشی و توزیع و تخصیص رانت‌های فراگیر و انحصاری میان گروه‌های اجتماعی عمدتاً از طریق دیوان‌سالاری گسترده شهری که چرخه بوروکراتیک توزیع مؤثر رانت، تولید فضای برون‌گرا و فرصت‌های شغلی و عامل پیدایی جامعه تک‌ساختی در الگوی شهر رانتی محسوب می‌شود، ماهیت اجتماعی و اقتصادی و ساختار تکوین و تکامل شهر معاصر ایران را دگرگون کرده است. وابستگی تنگاتنگ و همه‌جانبه الگوی شهر رانتی به سرچشمه‌های برون‌زا، پایان‌پذیر و غیرزایشی اقتصاد رانتی، بنیادهای ساختاری و ماهوی شهر معاصر ایران را شکننده و ناپایدار کرده است.

واژگان کلیدی: شهر معاصر ایران، اقتصاد رانتی، منابع رانت، ساختار اجتماعی - اقتصادی، شهرکرد.

بحث‌های نظری در بارهٔ ساختار و ماهیت شهر معاصر ایران به طور اعم و نیروی محرکه رشد شهرها به طور اخص به اصول و مبانی نظریهٔ دولت رانته بازمی‌گردد که سرچشمه‌های اقتصاد رانته (نفتی) و تصاحب انحصاری رانت نفتی به وسیله دولت را منشأ شکل‌گیری ساختارهای شهری و الگوی شهر رانته در ایران می‌داند. این نظریه می‌کوشد بر پایهٔ چنین تفکری صورت‌بندی‌های ساختار اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و بازتاب‌های فضایی آن را در الگوی رشد شهر رانته توجیه و تفسیر نماید.

اقتصاد رانته، دولت رانته و شهر رانته، ساختارهای سیستم (جامعه) رانته هستند. در این سیستم، دولت و شهر رانته زیرسیستم‌های اقتصاد رانته به شمار می‌روند. هر چند دربارهٔ مفهوم رانت<sup>۱</sup> تعریف چندان واحدی میان اقتصاددانان و سیاست‌مداران وجود ندارد، اما رانت برخلاف سود و مزد که به عنوان عامل کاهش یا افزایش قیمت به طور طبیعی و در نتیجه تلاش مولد به دست می‌آید (میرترابی، ۱۳۸۴: ۱۱۲) هر نوع درآمدی است که از خارج به داخل کشور جریان یابد بدون آن که برای آن سرمایه‌گذاری اجتماعی و یا فعالیت مولد و متقابلی صورت گرفته باشد (شکاری، ۱۳۷۹: ۳۲؛ طبیبیان، ۱۳۷۱: ۳). این نوع درآمد معمولاً از فروش مواهب و منابع طبیعی به دست می‌آید (Beblawi and luciani, 1987: 86) که با فعالیت‌های تولید اقتصاد داخلی ارتباطی ندارد. در نتیجه مبلغ و مقدار آن به میزان زیادی توسط شرایط و تصمیم‌هایی تعیین می‌شود که خارج از کنترل داخلی است. افزون بر آن، رانت ناشی از منابع و مواهب طبیعی که در مباحث اقتصاد سیاسی به عنوان نفرین منابع از آن یاد می‌شود، بر انگیزهٔ کشورها در تجهیز دیگر منابع داخلی (مالیات، بازار و بخش خصوصی) تأثیر منفی دارد (زراندژاد و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۱۲) و آن‌ها را به عنوان بنیاد اقتصادی و مالی دولت تضعیف می‌کند.

بدین‌سان، اقتصاد رانته در وهلهٔ نخست، اقتصادی است که به منابع خارجی درآمد متکی است. به علاوه، رانت ممکن است تنها شکل درآمد نباشد اما شکل غالب آن به شمار آید و تعداد کمی از جمعیت در تولید رانت و اکثریت به توزیع یا استفاده از آن مشغول باشند (ضیایی، ۱۳۷۹: ۱۲۰-۱۲۵). واضح است، اقتصاد رانته اغلب، دولتی رانته به وجود می‌آورد. دولت رانته نه تنها به دلیل منشأ خارجی درآمد بلکه اساساً در مقایسه با دولت‌های متکی به درآمدهای حاصل از مالیات‌ها و درآمدهای بومی (دولت‌های تولیدی درون‌گرا) در عملکرد نیز ماهیتی متفاوت دارد. بر این اساس، دولت رانته برخلاف دولت غیررانته که برای حفظ حیات خود و تامین مخارج کشور مجبور به دریافت مالیات از جامعه است، دولتی است که به دلیل بی‌نیازی به مالیات بخش

الگوی رشد شهر ایرانی بیانگر دو دورهٔ تاریخی است. تا پیش از انقلاب مشروطیت غیر از محدود مراکزی که به دلیل استقرار نهادهای اداری - سیاسی (شهرهای پایتختی)، عناصر مذهبی (شهرهای زیارتی) یا موقوفات و بنیادهای وقفی (وقف و تکوین شهری)، موقعیت شهری پیدا کرده و در مواردی به شهرهای مهمی تبدیل شده‌اند، رشد شهرها تابع نیروهای سنتی بود که عملکردی تدریجی اما درون‌زا داشتند. در این دوره شهرها از طریق کارکرد مبادله، کارکرد تدارکاتی و کارکرد سکونتی به عنوان محل اقامت بزرگ‌مالکان، عموماً در چارچوب مناسبات سرمایه‌داری بهره‌بری با حوزه‌های روستایی پیرامون رشد کردند و توسعه یافتند. الگوی رشد شهری مبتنی بر سرمایه‌داری بهره‌بری نه تنها به طور خاص به شهرنشینی و رشد شهری در ایران باز می‌گردد، بلکه به طور کلی به ماهیت شهرهای شرق اسلامی می‌پردازد (اهلرس، ۱۳۹۰: ۱۳-۱۴) و پژوهش‌های متعدّد به زبان فارسی و انگلیسی (al, 1994) درستی و کاربردپذیری آن را در تبیین ماهیت و فرایند رشد شهری دورهٔ سنتی در ایران ارزیابی و به اثبات رسانده‌اند.

در دورهٔ معاصر بسیاری از شهرهای ایران بنیادهای تکوین و تحرک و با ارتقای موقعیت و منزلت خود را از رانت نفتی و سیاست‌های تخصیصی و انگیزشی دولت رانته در درون ساختار جدید اقتصاد رانته دریافت کرده‌اند. تصاحب رانت نفتی توسط دولت، ابتکار عمل وسیعی برای مداخله در ساختارهای جغرافیایی به طور اعم و ساختارهای شهری به طور اخص در اختیار دولت قرار داده و آن را قادر ساخته با اهداف و روش‌های متفاوت در سازمان‌دهی ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فضایی شهرها و در نتیجه پیدایی الگوی رانته شهر معاصر ایران نقش عمده‌ای ایفا نماید. این نقش‌آفرینی تاکنون سهم به‌سزایی در شکل‌گیری الگوهای شهری جدید به ویژه در نواحی و استان‌های حاشیه‌ای کشور داشته است.

مقاله حاضر می‌کوشد بر اساس موردپژوهی شهرکرد، بنیادهای تکوین و توسعهٔ الگوی معاصر شهر رانته ایران را ساختارشناسی نماید. نتایج این مقاله نه تنها در پیشبرد بحث‌های نظری مربوط به شهر ایرانی و ارزیابی توان تبیینی دیدگاه‌های نظری، بلکه در تحلیل و نقد سیاست‌های شهرآفرین معاصر و بر همین مبنا با رویکرد هنجاری در ریشه‌یابی مسائل شهری، آسیب‌شناسی و آینده‌نگری الگوی رشد شهر معاصر ایران و چاره‌اندیشی برای پایداری شهر ایرانی کاربرد دارد. شالودهٔ مقاله بر ردیابی این سؤال اصلی استوار است که ویژگی‌های بنیادی ساختار اجتماعی، اقتصادی و فضایی الگوی رانته شهر معاصر ایران چیست؟

اعظم درآمدهایش از رانت تامین می شود (همدمی خطبه‌سرا، ۱۳۸۳: ۵۷) کارکرد غالب چنین دولتی تخصیص منابع خارجی درآمد (دولت تخصیص) از طریق ابزارهای مالی (بودجه‌ای)، پولی و درآمدی در قالب تشکیلات دیوانسالاری است.

در شرایطی که حداقل ۴۲ درصد یا بیش‌تر از کل درآمد دولت به شکل منظم از راه خارجی تأمین شود (حاجی یوسفی، ۱۳۷۷: ۹۲) می‌توان دو نوع دولت رانتی را از یکدیگر تمیز داد؛ رانتی‌های درجه یک (صرفاً نفتی) که درآمدهای فوق‌العاده زیادی از طریق رانت نفتی یا اوراق بهادار دریافت می‌کنند و رانتی‌های درجه دو (نیمه رانتی) که متکی بر رانت سرمایه هستند (ضیایی، ۱۳۷۹: ۱۲۰-۱۲۵). در اقتصاد رانتی نفتی، دولت به عنوان واسطه اصلی میان بخش نفت و مابقی اقتصاد و جامعه، درآمدهای دریافتی را از طریق هزینه‌های عمومی به اقتصاد تزریق و یا میان جامعه توزیع می‌کند. از آنجایی که هزینه‌های عمومی معمولاً بیانگر بخش بزرگی از درآمد ملی هستند، چگونگی تخصیص آن بین گزینه‌های مصرفی و بخش‌های اقتصادی اهمیت زیادی در تعیین الگوی توسعه اقتصادی و قشربندی نظام اجتماعی دارد. اغلب کشورهای خاورمیانه عربی و شمال آفریقا به دلیل وابستگی و اتکای بیش از حد (۷۰ درصد تولید ناخالص داخلی) به درآمد نفت و گاز (آذری و ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۱۲۸) دولت رانتی درجه یک محسوب می‌شوند. در مورد ایران بر اساس اطلاعات سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۷ وابستگی بودجه عمومی دولت به نفت ۷۰ درصد است؛ چارچوب سیاست‌های اقتصاد مقاومتی چشم‌انداز اتکای بودجه عمومی به نفت را حدود ۳۳ درصد ترسیم کرده است.

بدین سان، مشخصه‌های جامعه رانتی را می‌توان در سه ساختار بیان کرد: الف) در ساختار اقتصادی، رانت، شکل غالب گردش درآمد، و منابع داخلی (مالیات و بازار) سهم ناچیز در تولید درآمد دارد. دولت بردار مهم و مسلط اشتغال‌زایی و توسعه اقتصادی است و بدین لحاظ بخش عمومی به ویژه بخش خدمات با توسعه سریع از سایر بخش‌های اقتصادی و اشتغال‌زا پیشی می‌گیرد. چرا که تداوم درآمدهای رانتی منوط به آن نیست که دولت بخشی از آن را مجدداً به صورت مولد (اقتصاد تولیدی) سرمایه‌گذاری کند. ب) در ساختار سیاسی به صورت برون‌زایی (برون‌گرایی) و وابستگی به خارج، استقلال و بی‌نیازی از فرایندهای داخلی و تشکیل دولت تخصیص یا تبدیل شدن دولت به توزیع‌کننده رانت (فضلی‌نژاد و احمدیان، ۱۳۸۹: ۱۳۱) منجر می‌شود که درآمدهای رانتی را بر اساس علائق سیاسی در داخل تقسیم و توزیع و یا در خارج به جریان می‌اندازد. تشکیلات دیوان‌سالاری شهری و نظام بوروکراسی (افراد و دستگاه) یکی از سازوکارهای اصلی توزیع (تخصیص) و گردش این رانت در داخل به شمار می‌رود. ج) در ساختار اجتماعی جامعه رانتی نقش مردم به صورت عمدتاً سهمین شدن در سیستم توزیع (تخصیص) و

مصرف رانت، به رفتار رانت‌جویی و مصرف رانت (پیشین) در جامعه دامن می‌زند. ترجیح افراد برای اشتغال و استخدام در بخش دولتی و تلاش در راه‌یابی به سطوح بالای مدیریت و تصمیم‌گیری با هدف ورود به چرخه توزیع بوروکراتیک رانت و نزدیک شدن به رانت، شواهدی از این رفتار به شمار می‌رود. واضح است، این سازوکار انگیزه کار مولد و فعالیت تولیدی را در جامعه در سطح پایین نگه می‌دارد که به شدت ضد توسعه است (خیرخواهان، ۱۳۹۰: ۵۴). به علاوه، با تغییر قشربندی اجتماعی و ایجاد اقشار جدید از حامیان دولت، به جامعه تک ساختی و فاقد تنوع لازم منجر می‌شود.

در مورد ایران پیدایی اقتصاد رانتی و گسترش رانت نفتی در اقتصاد ملی و در رأس آن اقتصاد شهری که در حقیقت فروش ثروت ملی (جامساز، ۱۳۸۳: ۷۰) و برداشت از ثروت ملی است نه ناشی از تولید ملی (جامساز، ۱۳۸۳: ۷۰)، در کنار اثرات کلان در گستره سرزمین از جمله انزوای اقتصادی و محرومیت اجتماعی و سیاسی بخش کشاورزی (همایون کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۱۴۱) و نابرابری‌های فضایی و زیستی میان عرصه‌های شهری و روستایی، در الگوی رشد شهری و ساختارهای درونی شهر معاصر نیز بازتاب‌ها و عوارض زیادی به همراه داشته است. به طوری که تنها عملکرد دولت‌های نهم و دهم در طول نزدیک به یک دهه، از طریق تصمیم‌ها و اقدام‌های مختلف از جمله مسکن مهر و رشد از درون و پیرامون شهر، پرداخت یارانه نقدی، دست و دل بازی در پرداخت تسهیلات مالی شبکه بانکداری دولتی و اشتغال‌سازی گسترده در بخش دولتی، حلقه‌های جدیدی از وابستگی اجتماعی و اقتصادی میان منابع رانت و اقتصاد رانتی با شهر و شهرنشینی به ویژه در شهرهای کوچک و متوسط کشور به وجود آورده که عوارض و بازتاب‌های مثبت و منفی آن یکی از چالش‌های اصلی نظام شهری کشور در حال و آینده است.

دیدگاه دولت و شهرنشینی (رهنمایی، ۱۳۷۳: ۱۷-۲۶) می‌کوشد بازتاب‌های اقتصاد رانتی را در مقیاس شهری (محلی) تبیین و تحلیل نماید و بدین‌سان بُعد ملی و کلان دولت رانتی (شهر رانتی) را در سطح محلی بیان کند. در واقع نظریه دولت رانتی رویکرد بالا به پایین، ولی دولت و شهرنشینی در تبیین الگوی رشد شهری رویکرد پایین به بالا دارد. این دیدگاه دخالت کارفرمایی و عملکرد تصدی‌گری برآمده از اقتصاد رانتی دولت (رهنمایی، ۱۳۸۸: ۱۴۶) را از طریق حجم دیوان‌سالاری و منابع اعتبارات عمرانی و جاری، تمرکز خدمات برتر و فعالیت‌های خدماتی در شهرها، رشد شهرنشینی و ساختارهای فضایی آن در شهرها قابل مطالعه می‌داند. واضح است دستگاه دولت رانتی به دلیل ماهیت و عملکرد چند وجهی خود از یک سو و مقتضیات زمانی و تنوع مکانی-سرزمینی از دیگر سو، قادر است نقش‌آفرینی گسترده و متفاوت بر چهره‌پردازی فضاهای جغرافیایی به طور اعم و فضاهای شهری به طور اخص ایفا

نماید. لذا در تبیین نظری و تحلیل رابطه تعاملی میان اقتصاد و دولت رانته با ساختار و ماهیت تولید فضا (به ویژه فضای شهری) توجه به این تفاوت‌ها و عوامل مؤلف آن بسیار اهمیت دارد. اندازه شهری و تأثیرپذیری متفاوت آن از نیروهای اثرگذار، تفکیک ابعاد و سطوح محلی، منطقه‌ای، ملی و جهانی دولت برخوردار از رانت، پسرکانه‌های متفاوت طبیعی و انسانی شهرها، تأثیر نیروهای جهانی بر رشد شهرهای بزرگ، نقش رقابت و نیروهای بازار در ارتقای منزلت اقتصادی و نقش تکوینی یا توسعه‌ای دولت (مشکینی و رحیمی، ۱۳۹۲: ۸۷ و ۹۳-۹۹) هر یک مباحثی است که سهم و میدان عمل آن‌ها در تبیین نقش دولت رانته در شکل‌دهی به ساختارهای شهری باید مورد توجه و بازبینی قرار گیرد. این تنوع ابعاد و جنبه‌ها یادآور ظرفیت بسط‌پذیری و بیانگر توان تبیینی دولت رانته و مفاهیم بنیادی آن در تبیین و تحلیل الگوهای رشد شهری و تولید ساختارها و فضاهای شهری معاصر است که به عنوان روزه‌ها و نظریه‌های جدید در فرایند شهرنشینی در ایران (پیشین: ۸۹، ۹۰، ۱۰۵ و ۱۰۷) باید مورد توجه پژوهش‌های مشابه قرار گیرد. ساختار رانته دولت ملی بی‌تردید از طریق دولت محلی (شهرداری) ماهیت و عملکرد مدیریت شهری را در شهر رانته متأثر می‌سازد. از همین رو، کیفیت و مطلوبیت اداره امور شهرها از طریق شیوه سنتی دولت محلی و یا رویکرد نوین دولت محلی مدرن<sup>۲</sup> که دموکراسی، مشارکت، مسئولیت‌پذیری، شفافیت، کارآمدی و خودگردانی از ویژگی‌های بنیادین آن به شمار می‌رود (ویسی، ۱۳۹۲: ۱۱۴-۱۲۴) یکی دیگر از مباحثی است که باید در باره الگوی شهر رانته مورد مطالعه و بازبینی قرار گیرد.

### پیشینه پژوهش

پژوهش‌های انجام شده برخی در مقیاس ملی و برخی دیگر در سطح محلی (موردی) الگوی شهر رانته را مطالعه کرده‌اند. اعتماد، عامل اصلی پیدایی شبکه و الگوی شهری جدید را گسیختگی شبکه محلی استخراج و گردش مازاد و جایگزینی آن توسط رانت نفتی در دوره جدید می‌داند (اعتماد، ۱۳۶۳). رحیمی، دولت ایران را به رغم شباهت‌هایی با دولت‌های رانته استثنا می‌داند و آن را کاملاً در زمره دولت‌های رانته قرار نمی‌دهد (رحیمی، ۱۳۸۹). ضیایی ضمن مقایسه ساختار سیاسی و درآمدی دولت در دوره‌های سنتی و معاصر، اقتصاد رانته، دولت رانته و جامعه رانته را مشخصه اصلی و وجه تمایز ساختار اجتماعی - اقتصادی کشور در دوره معاصر می‌داند و از الگوی توسعه شهری رانته نیز به عنوان شکل غالب آفرینش فضا در درون چنین ساختاری یاد می‌کند (ضیایی، ۱۳۷۹). امیریان نیز با تأکید بر سه ویژگی

دولت مدرن ایران (یکپارچگی، اقتدارگرایی و تمرکزگرایی)، روحیه اقتدارگرایی دولت توأم با انحصار و استقلال اقتصادی ناشی از تصاحب درآمدهای نفتی را زمینه‌ساز بازتولید سازمان اجتماعی - اقتصادی جامعه در الگوی متمرکز و قطبی می‌داند که تهران و چند کلان‌شهر منطقه‌ای کانون‌های اصلی آن به شمار می‌روند (امیریان، ۱۳۸۵: ۲۶۵-۲۶۶). وهابی نقش دولت در تولید فضا از طریق طرح‌های آماده‌سازی اراضی شهری در شهر آبدانان (وهابی، ۱۳۸۳)، نصیری نقش دولت در گسترش فضایی شهر آمل (نصیری، ۱۳۸۳)، رهنمایی و همکاران عملکرد دولت در رشد کالبدی ماسال (رهنمایی و همکاران، ۱۳۸۹)، نظری نقش دولت در پیوندهای شهری روستایی از طریق توسعه شبکه راه‌های ارتباطی در استان گلستان (نظری، ۱۳۸۳)، فرجی داریخانی تحولات برآمده از دخالت دولت و گردش منابع رانت در سرابله (فرجی داریخانی، ۱۳۸۴) و علی اکبری ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فضایی شهرهای ایلام (علی اکبری، ۱۳۸۳ و ۱۳۹۰) و علی اکبری و فرجی داریخانی ناپایداری دولت شهرهای اداری-سیاسی (علی اکبری و فرجی داریخانی، ۱۳۸۵) را مطالعه کرده‌اند. این مطالعات هر یک با ارائه مستندات نشان داده‌اند که منابع رانت در سازمان‌دهی ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فضایی شهرهای کشور نقش به‌سزایی داشته است.

### روش‌شناسی

داده‌های این مقاله مربوط به متغیرهای ساختار اقتصادی شهر (اشتغال در بخش‌های اصلی، دولتی و خصوصی)، منابع رانت (شاخص اعتبارات جاری و عمرانی)، دیوان‌سالاری شهری و ساختار کالبدی و پیکربندی فضای شهری (فضاهای دولتی و خصوصی) است. محدوده زمانی داده‌ها به دلیل ضرورت تکوین پژوهی ساختار شهر و روندنگاری سیر تحولات الگوی رشد شهر در طول بیش از پنج دهه از ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰ ردیابی شده است. این داده‌ها عموماً با روش اسنادی تهیه شده‌اند. در روش تحقیق توصیفی - تحلیلی این مقاله داده‌ها با بهره‌گیری از روش علی - تطبیقی برای ردیابی سیر تحولات و فهم بنیادهای ساختارشناسی شهر پردازش شده است.

### قلمرو پژوهش

شهرکرد با ۱۵۹/۸ هزار نفر جمعیت در سال ۱۳۹۰ و در میانگین ارتفاع ۲۱۰۰ متر از سطح دریا، نمونه شاخصی از شهرهای معاصر ایران در زاگرس جنوبی است که مرکزیت اقتصادی و مدیریت سیاسی استان چهارمحال بختیاری را بر عهده دارد. شهرکرد به دلیل ویژگی‌های طبیعی، انزوای جغرافیایی و

رانتهی شهر است. بخش صنعت (بخش دوم) نیز که تا سال ۱۳۵۵ بیش از نیمی از شاغلان را به خود اختصاص داده بود با رشد نسبی اکنون سهمی در حدود یک چهارم کل شاغلان شهری دارد (جدول شماره ۱). در واقع در نیم قرن اخیر فعالیت‌های تولیدی نه تنها سهم اشتغال‌زایی بلکه ابتکار عمل خود را در شکل‌دهی به تغییرات ساخت اقتصاد و اشتغال شهری به مقدار زیادی از دست داده‌اند.

اقتصاد چرخشی و رانت در حال چرخش در فعالیت‌های غیرتولیدی، اشتغال‌زایی در بخش خدمات (بخش سوم) را افزایش داده است. این بخش در سال ۱۳۹۰ برای بالغ بر ۲۸۹۸۲ نفر فرصت شغلی ایجاد کرده است. این رقم معادل ۶۴/۴ درصد کل شاغلان شهری است (جدول شماره ۱). روند رو به افزایش اشتغال در بخش خدمات از یک سو و همزمانی آن با دوره‌های ارتقا در منزلت سیاسی شهر به مرکز فرمانداری کل و استان از دیگر سو، نشان می‌دهد رانت عمدتاً از مجرای فعالیت‌های خدماتی (بخش سوم) در ساختار اقتصاد شهر جریان می‌یابد. به‌علاوه، تمرکز درآمدهای رانتهی بر اساس نظام سلسله مراتب خدمات اداری در شهرها، به شهرهای بزرگتر (مرکز استان) منزلت اقتصادی بیش‌تری می‌بخشد. همبستگی میان تمرکز رانت و تمرکز خدمات اداری در ساختار اشتغال بخش خدمات شهر نیز قابل ردیابی است. بررسی فعالیت‌های زیرمجموعه بخش خدمات نشان می‌دهد بیش از ۵۰ درصد شاغلان خدماتی شهر در فعالیت‌های خدمات عمومی و اجتماعی مشغول به کار هستند که دارای زیرساخت دولتی (اداری) است و توسط سازمان‌های اداری-اجرایی وابسته به دولت (دولت رانتهی) اداره و ارائه می‌شوند. این بدان معناست که در دهه‌های اخیر دو تغییر بنیادی به موازات هم در ساخت اقتصاد و اشتغال شهر کرد رخ داده است؛ نخست خدماتی شدن یا خدمات‌محوری ساختار بخش اشتغال شهر و دیگری اداری شدن ساختار اشتغال در بخش خدمات.

تغییرات کلی و مراحل گذار ساختار بخش‌ها در درون

دور بودن از مراکز قدرت و کانون‌های تصمیم‌گیری سیاسی از یک سوی و حاکمیت نظام کوچک‌دهنده ایلی از دیگر سوی، تا اوایل سده اخیر در حاشیه برنامه‌های توسعه قرار داشت. اما در دوره معاصر به دلایل مختلف به عنوان واحد فضایی مستقل مورد توجه سیاست‌های توزیع فضایی قدرت سیاسی قرار گرفت. ابتدا در سال ۱۳۱۰ با تأسیس شهرداری، دهکرد رسماً به شهرکرد تغییر منزلت داد. در سال ۱۳۱۶ به مرکز بخش‌داری، در سال ۱۳۲۱ به مرکز شهرستان، در سال ۱۳۳۲ به مرکز فرمانداری درجه یک، در سال ۱۳۳۷ به مرکز فرمانداری کل و سرانجام در سال ۱۳۵۲ به عنوان کانون بلوک سیاسی ناحیه، به شهر مرکز استان جدید چهار محال بختیاری ارتقای منزلت یافت. حاصل موهبت سیاسی به صورت تغییر موقعیت و ارتقای منزلت، در طول چند دهه نه تنها در رشد زودرس و تغییر اندازه جمعیت شهر از ۱۵/۵ هزار در سال ۱۳۳۵ به ۱۵۹/۸ هزار نفر در سال ۱۳۹۰ بلکه در شکل‌دهی به ساختار نظام اجتماعی، اقتصادی و فضایی شهر نمود مشخص و بارزی داشته است. شکل شماره ۱ موقعیت جغرافیایی شهرکرد را در کشور و استان نشان می‌دهد.

## بحث و یافته‌ها

### بنیادهای ساختار اقتصادی

اطلاعات ساختار بخش‌های اشتغال شهر در جدول شماره ۱ نشان‌دهنده تسلط شهرنشینی خدماتی (شهرنشینی بخش سوم) است که حاصل روحیه رانت‌جویی در درون اقتصاد چرخشی و فعالیت‌های غیر تولیدی است. توزیع رانت نفتی در درون جامعه شهری توسط دولت رانتهی، اقتصاد و فعالیت‌های تولیدی و در نتیجه تمایلات تولیدی در بخش‌های اول و دوم را به حاشیه رانده و کارایی تولیدی آن را به شدت کاهش داده است. اشتغال کمتر از ۵ درصد شاغلان در بخش کشاورزی (بخش اول) و سهم اشتغال‌زایی رو به کاهش این بخش در ۵ دهه اخیر (جدول شماره ۱) یکی از شاخص‌های تغییر ساختار بخش‌ها در درون اقتصاد

جدول شماره ۱: توزیع شاغلان شهرکرد برحسب بخش‌های اصلی اقتصاد شهری (۱۳۳۵-۱۳۹۰)

سال	مجموع شاغلان (نفر)	کشاورزی		صنعت		خدمات		نامشخص	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۱۳۳۵	۴۷۴۷	۱۰۸۸	۲۲/۹	۲۳۳۶	۴۹/۳	۱۲۴۶	۲۶/۲	۷۷	۱/۶
۱۳۴۵	۷۷۲۸	۹۸۶	۱۲/۸	۴۷۶۹	۶۱/۷	۱۹۱۶	۲۴/۸	۵۷	۰/۷
۱۳۵۵	۱۰۱۸۹	۸۹۹	۸/۸	۵۰۹۲	۵۰	۴۱۳۴	۴۰/۶	۶۴	۰/۶
۱۳۶۵	۱۵۵۷۲	۱۰۳۲	۶/۶	۳۹۰۸	۲۵/۱	۱۰۰۶۱	۶۴/۶	۵۷۱	۳/۷
۱۳۷۵	۲۱۹۵۷	۱۰۵۰	۴/۸	۶۹۲۷	۳۱/۵	۱۳۵۷۸	۶۱/۶	۴۰۲	۱/۸
۱۳۸۵	۳۰۲۲۰	۱۳۹۰	۴/۶	۹۷۹۲	۳۲/۴	۱۸۵۲۵	۶۱/۳	۵۱۴	۱/۷
۱۳۹۰	۴۵۰۲۳	۲۲۱۶	۴/۹	۱۱۸۱۶	۲۶/۳	۲۸۹۸۲	۶۴/۴	۲۰۰۹	۴/۴

مأخذ: مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن - ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰، نتایج شهرستان شهرکرد و آمارنامه ۱۳۳۵



وابستگی‌های جدید میان جامعه شهری با دولت رانتي سهم به سزایی دارد. زیرا رانتي که چنین دولتي دریافت می‌کند آن را قادر می‌سازد تا این منابع را برای کسب مشروعیت اجتماعی خود تخصیص دهد. استراتژی کلی تخصیص و توزیع رانت در میان گروه‌های اجتماعی (گروه‌های عادی و غیرحاکم) به صورت حمایت شغلی یا فراهم آوردن فرصت‌های شغلی برای تدارک خدمات ضروری (درمانی، آموزشی و غیره) و افزایش رفاه اجتماعی نمایان می‌شود که رانت‌های فراگیر و قانونی به شمار می‌روند. تأثیر حمایت شغلی از افراد (گروه‌های عادی) تنها به نیروی کار محدود نیست، بلکه از طریق وابستگی خانوادگی تأثیر مضربی در ساختار اجتماعی جامعه شهری دارد. به همین دلیل سیطره کارمندان (اقتدار حقوق‌بگیر) پیامد این استراتژی در ساختار اجتماعی شهر رانتي است. جدول شماره ۲ به صورت مقایسه‌ای ظرفیت و عملکرد مشاغل دولتي و خصوصی شهر را در نیم قرن اخیر نشان می‌دهد. بر اساس اطلاعات این جدول نزدیک به نیمی از نیروی کار شهر (۴۴/۶ درصد) جامعه حقوق‌بگیر کارکنان دولت هستند که در مقایسه با شاخص مشابه ملی به طرز چشم‌گیری بالاتر است. چهارمحل بختیاری در مقیاس استانی نیز دومین استانی است که نیروی کار شهرهای آن به مشاغل دولتي وابسته است. روند تغییر ساختار اجتماعی شهر را می‌توان با گذشته‌نگری روند تغییرات ساختار اشتغال دولتي ردیابی کرد.

در سال ۱۳۳۵ حدود ۸۳/۷ درصد شاغلان شهر در بخش خصوصی فعالیت داشتند. این شاخص در سیری نزولی به ۶۷/۱ درصد در سال ۱۳۵۵ و سپس به ۵۱/۹ درصد در سال ۱۳۹۰ رسیده است. در مقابل، سهم شاغلان بخش دولتي از ۱۶/۳ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۳۲/۳ درصد در سال ۱۳۵۵ و سپس به ۴۴/۶ درصد در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته است (جدول شماره ۲). این بدان معناست که در طول چند دهه اخیر در مجموع ۱۹۳۷۴

اقتصاد (شهر) رانتي مدلی مشابه مدل عمومی شهرنشینی و تغییر بخش‌های اشتغال دارد (هاگت، ۱۳۷۹: ۱۴۰-۱۴۱) که طی آن با ورود مشاغل جدید، تراز مشاغل به سود بخش خدمات تغییر می‌کند. در واقع در ساختار اقتصاد شهر رانتي چون الگوی کلی اقتصاد شهری خدمات بخش اشتغال‌زای برتر است. اما در مرحله گسترش مشاغل خدماتی که به پیدایش بخش چهارم برتر (خدمات برتر) یا خدمات مولد فرصت‌های شغلی بیش‌تر) می‌انجامد، عملکرد شهر رانتي تفاوت خود را آشکار می‌سازد. این بدان معناست که بخش چهارم ساختار اقتصاد شهر رانتي با بخش چهارم مدل عمومی تغییرات بخش‌های اشتغال شهری تفاوت اساسی دارد. این تفاوت در خدمات برتر تعیین‌کننده و متمایزکننده ساختار اقتصادی الگوی شهر رانتي است.

در واقع منابع رانت که عامل اصلی تولید فرصت‌های اشتغال در الگوی شهر رانتي است، عموماً از مجرای بخش خدمات (بخش سوم) تخصیص می‌یابد و برای اشتغال‌زایی در فعالیت‌هایی مصرف می‌شود که خدمات اداری (بخش چهارم) تولید و عرضه می‌کنند. این منابع در یک سیکل معیوب میان اقتدار مختلف جامعه شهری دست به دست گشته و در نهایت به تأمین منافع جامعه و رونق ظاهری اقتصاد شهری منجر می‌شود، بی آن‌که خصلت زایشی داشته و مناسبات مولد در درون اقتصاد تولیدی به‌وجود آورد. گردش این رانت از آن جهت معیوب تلقی می‌شود که خارج از روابط ارگانیک اقتصاد تولیدی شکل می‌گیرد.

### بنیادهای ساختار اجتماعی

رانت، نخست فرصت‌های شغلی جدید ایجاد می‌کند و به بنیان‌های اقتصاد رانتي شکل می‌دهد. فرصت‌های شغلی جدید نه تنها تغییر ساختار بخش‌ها بلکه تغییر ساختار اجتماعی را به دنبال دارد. الگوی اقتصاد رانتي در پیدایی روابط، مناسبات و

جدول شماره ۲: الگوی توزیع شاغلان شهرکرد بر حسب بخش‌های دولتي و خصوصی (۱۳۹۰-۱۳۳۵)

نامشخص	بخش خصوصی		بخش دولتي		مجموع شاغلان (نفر)	سال
	تعداد	درصد	تعداد	درصد		
۱/۶	۷۷	۸۳/۷	۳۹۶۸	۱۶/۳	۴۷۴۷	۱۳۳۵
۱/۷	۵۷	۷۹	۶۱۰۴	۲۰/۳	۷۷۲۸	۱۳۴۵
۱/۶	۶۴	۶۷/۱	۶۸۹۹	۳۲/۳	۱۰۱۸۹	۱۳۵۵
۳/۷	۵۷۱	۴۵/۷	۷۶۹۲	۵۰/۶	۱۵۵۷۲	۱۳۶۵
۲/۱	۴۶	۵۰/۳	۱۱۵۰۵	۴۷/۶	۲۱۹۵۷	۱۳۷۵
۱/۷	۵۱۴	۵۲	۱۶۲۲۸	۴۶/۳	۱۳۹۹۲	۱۳۸۵
۳/۵	۱۵۸۰	۵۱/۹	۲۳۳۶۷	۴۴/۶	۲۰۰۷۶	۱۳۹۰

مأخذ: مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن-۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰ نتایج شهرستان شهرکرد و آمارنامه ۱۳۳۵

صرف نظر از شبکه گسترده بانکداری دولتی که مسئولیت تزریق سرمایه به بازارهای شهری را بر عهده دارد، عملکرد دولت رانتیر در گردش منابع رانت از طریق دیوان‌سالاری شهری به دو شکل انجام می‌گیرد. پرداخت حقوق و دستمزد از طریق اعتبارات جاری و تخصیص اعتبارات عمرانی برای اجرای برنامه‌های عمران شهری و طرح‌های شهرسازی. رانتهی که از مجرای اعتبارات جاری و عمرانی (استانی و ملی) سالانه تخصیص یافته و توزیع می‌شود، نقش اصلی در شکل‌گیری الگوی شهر رانتیر بر عهده دارد.

اعتبارات جاری یکی از اصلی‌ترین منابع و مجاری جریان رانت فراگیر میان اقشار عمومی جامعه شهری است. این منابع که از طریق کارمندان ماهانه و پیوسته در بدنه بوروکراتیک شهر رانتهی به گردش درمی‌آید، به صورت چرخه‌ای نقش مهمی در تحرک اجتماعی و اقتصادی شهر ایفا می‌کند.

تحلیل و استنتاج اطلاعات مربوط به اعتبارات جاری در دوره ۲۶ ساله (مرکز آمار ایران، سالنامه‌های آماری استان و کشور، ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۵) نشان می‌دهد شاخص اعتبارات جاری استان با سرعتی به مراتب بیش‌تر از شاخص مشابه در مقیاس ملی افزایش یافته است. در این دوره اعتبارات جاری کشور از ۵۳۹/۴ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۰ به ۱۰۷۱۰۹ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۵ رسیده و ۱۹۸ برابر شده است. در حالی‌که اعتبارات جاری استان در همین دوره از ۶/۹ میلیارد ریال به ۱۴۰۳۴ میلیارد ریال رسیده و ۲۰۳۵ برابر افزایش یافته است. در این دوره، مجموع اعتبارات جاری کشور ۴۶۷/۲۰۶ میلیارد ریال ولی مجموع اعتبارات جاری استان ۲۰۰۷۷ میلیارد ریال بوده که ۴/۳ درصد اعتبارات جاری کشور است. این شاخص با توجه به اندازه جمعیت استان در سه دهه (۱۳۶۵، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵) که تنها ۱/۲ درصد جمعیت کشور بوده، بیانگر سهم و سرانه بالای استان از اعتبارات جاری کشور است. واضح است، وسعت تشکیلات دیوان‌سالاری، زیرساخت اداری نظام شهری و ظرفیت قابل توجه آن در شهرها به ویژه در شهرکرد، عامل اصلی برای گردش چنین سهمی از منابع جاری رانت در اقتصاد شهری و منطقه‌ای است. سهم اعتبارات عمرانی استان از کل اعتبارات عمرانی کشور در این دوره نیز ۲ درصد بوده است؛ این در حالی است که براساس حساب‌های اقتصادی، سهم تولید ناخالص سرانه استان به قیمت بازار (GDP) در سال ۱۳۸۴ (با داشتن ۱/۲ درصد از جمعیت کشور) معادل ۰/۶۱ درصد بوده است (استاندارداری چهارم‌حال و بختیاری، ۱۳۸۶: ۲۴-۲۲). این شاخص با تبیین سهم و سرانه ناچیز تولید ناخالص استان در مقیاس ملی نشان می‌دهد اقتصاد استان و شهرهای آن عمدتاً گیرنده و مصرف‌کننده منابع رانت است و نقش درآمدزایی آن برای اقتصاد ملی و بودجه عمومی دولت بسیار اندک است.

فرصت شغلی در بخش دولتی به وجود آمده که معادل ۴۸/۱ درصد کل ظرفیت اشتغال‌زایی شهر است. از سال ۱۳۶۵ به بعد حدود نیمی از فرصت‌های شغلی را بخش دولتی به جامعه شهری عرضه کرده است (جدول شماره ۲).

تغییرات شاخص سرانه اشتغال نیز مؤید تغییر ساخت اجتماعی به قشر کارمند است. در سال ۱۳۳۵ در مقابل هر ۴ نفر شهرنشین یک شغل در بخش خصوصی و به ازای هر ۲۲ نفر یک شغل در بخش دولتی وجود داشت. ولی این نسبت‌ها ۵ دهه بعد برای بخش خصوصی به ۸ نفر و بخش دولتی ۱۰ نفر به ازای هر شغل تغییر کرده‌اند.

در اقتصاد رانتهی و دولت رانتیر تولید و اعطای فرصت‌های شغلی در بخش دولتی شیوه فراگیر توزیع رانت در میان گروه‌ها و اقشار عمومی جامعه شهری برای شکل‌دهی به ساخت اجتماعی است. تخصیص و توزیع رانت در میان نخبگان و گروه‌های حاکم جامعه شهری برای جلب همکاری و حمایت آنان ابزار و الگوی متفاوت از اقشار عمومی جامعه و گروه‌های غیرحاکم دارد. رانتهای انحصاری و کمیاب از طریق رانت اطلاعات، رانت نظارت و مدیریت، رانتهای ناشی از انتقالات سیاسی، رانتهای نوآوری، سودهای انحصاری و یارانه‌های پرداختی به صنایع نوزاد (حسین خان، ۱۳۸۶: ۲۱-۲۳) گونه‌های مختلف رانت پرداختی به گروه نخبگان در درون جامعه و شهر رانتهی است که دسترسی آزاد به آن وجود ندارد. برخی از این رانتهای چون رانت نوآوری و یارانه صنایع می‌تواند دلایل و نشانه‌هایی از کارایی و بهره‌گیری موفقیت‌آمیز از فرصت‌های رشد اقتصادی باشند.

توزیع منابع رانت از طریق رانتهای فراگیر میان افراد و گروه‌های اجتماعی به الگوی جامعه تک‌ساختی و فاقد تنوع به صورت کارمند و حقوق‌بگیر در درون ساختار اجتماعی الگوی شهر رانتهی ابعاد گسترده بخشیده است. نمونه شهرکرد نشان می‌دهد در سال ۱۳۹۰ بالغ بر ۷۳ هزار نفر یا ۴۶ درصد ساکنان و اقشار جامعه شهری به طور مستقیم به عنوان کارمند و حقوق‌بگیر به درآمد و منابع رانت پرداختی توسط دولت رانتیر وابسته هستند.

### ساختار و عملکرد بوروکراتیک منابع رانت

دیوان‌سالاری گسترده یکی از خصلت‌های دولت‌های رانتهی است. گسترش دیوان‌سالاری شهری را می‌توان به عنوان وسیله‌ای قلمداد کرد که دولت رانتیر به کمک آن هم رانت را به شکل مؤثرتری میان جامعه توزیع می‌کند و هم منبع گسترده برای اشتغال‌زایی گروه‌های مختلف جامعه فراهم می‌آورد. همزمان و شاید مهم‌تر این‌که دیوان‌سالاری گسترده به معنای فراهم بودن مناصب متعددی است که دولت می‌تواند برای جلب حمایت اعضای گروه‌های مختلف از آن استفاده نماید (حاجی یوسفی، ۱۳۷۶: ۱۵۲).

در این دوره ۲۶ ساله مجموع اعتبارات جاری استان ۲۰۰۷۷ میلیارد ریال، ولی اعتبارات عمرانی آن ۳۵۳۴ میلیارد ریال بوده است. در واقع اعتبارات جاری حدود ۵/۵ برابر اعتبارات عمرانی است. مجموع اعتبارات جاری و عمرانی استان در این دوره ۲۳۶۱۲ میلیارد ریال بوده که ۸۵ درصد در قالب اعتبارات جاری و ۱۵ درصد از طریق اعتبارات عمرانی به اقتصاد استان و شهرهای آن تخصیص یافته است. شهرکرد که بالاترین مرکز ثقل اداری را در خود دارد، کانون اصلی برای گردش و تمرکز منابع اعتباری در ساختار شهری است.

تحلیل اطلاعات آماری (استانداردی چهار محال بختیاری، ۱۳۸۷) نظام اعتبارات عمرانی در یک دوره ده ساله (۱۳۸۵-۱۳۷۶) نیز نتایج مشابهی از عملکرد منابع رانت در تأمین نیازها و شکل‌دهی به ساختارهای شهری به دست می‌دهد. نخست این‌که روند پرداخت اعتبارات عمرانی استان در سیری صعودی از ۱۷۰ میلیارد ریال در ابتدای دوره به ۱۴۷۰ میلیارد ریال در پایان دوره رسیده و بیش از ۸/۵ برابر شده است. این افزایش برای شهرکرد از ۱۴/۹ به ۳۷/۵ میلیارد ریال بوده که تغییرات ۲/۴ برابری را نشان می‌دهد. در این دوره سهم اعتبارات عمرانی شهر از استان از ۹ درصد به ۲۴ درصد رسیده است. از کل اعتبارات عمرانی استان ۳۸ درصد به شهرستان شهرکرد و یک پنجم یا ۲۰ درصد به شهر شهرکرد اختصاص دارد. به علاوه، شهرکرد ۵۱ درصد کل اعتبارات عمرانی شهرستان و ۸۵ درصد اعتبارات عمرانی شهری شهرستان را نصیب خود می‌سازد. در واقع شهرکرد به تنهایی ۲۰ درصد منابع عمرانی استان، ۵۱ درصد منابع عمرانی شهرستان و ۸۵ درصد منابع عمرانی شهری شهرستان را مصرف می‌کند.

توزیع فضایی اعتبارات عمرانی شهرستان شهرکرد نیز بیانگر این واقعیت است که ۱۱/۱ درصد به عمران روستایی و ۸۸/۹

درصد به عمران شهری اختصاص دارد. این ارقام با توجه به سهم قابل توجه شهرکرد از کل اعتبارات عمرانی شهرستان (۵۱ درصد) از یک سو و اعتبارات عمران شهری شهرستان (۸۵ درصد) از دیگر سوی، بیانگر شهر محوری اعتبارات عمرانی و میل جغرافیایی به تمرکز در کانون‌های شهری به ویژه شهرهای دارای بالاترین منزلت سیاسی و در رأس آن شهرکرد است. نظام توزیع اعتبارات در زیر بخش‌های عمران شهری نیز نشان می‌دهد چهار بخش آموزشی، تأسیسات و تجهیزات شهری، ساختمان‌های اداری و خانه‌های سازمانی در مجموع ۷۵ درصد اعتبارات عمرانی شهر را مصرف می‌کنند.

عملکرد اعتبارات عمرانی از دو جنبه برای ساختار شهری اهمیت دارد. پرداخت این منابع نظیر سایر منابع اعتباری نقش درآمدزایی برای شهر رانتی دارد. افزون بر آن، اجرای پروژه‌های عمرانی برآمده از این اعتبارات ارزش افزوده فعالیت اقتصادی در شهرها را بالا می‌برد و از این طریق به انگیزه سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در شهر دامن می‌زند. در واقع اجرای پروژه‌های عمران شهری به طور غیرمستقیم نیز نقش توسعه‌ای برای شهر رانتی دارد. زیرا رویکرد و عملکرد دولت رانتیر در توجه به نقطه‌های مشخص به صورت ارتقای موقعیت و منزلت آن، علائم و شواهد روشنی برای تحرک بخش خصوصی نیز تلقی می‌شود. بدان معنی که این بخش نیز به طور شهودی در می‌یابد که از طریق فعالیت و سرمایه‌گذاری در شهر می‌تواند سهمی از منابع رانت در آن نقطه را نصیب خود سازد.

### ساختار فضایی شهر رانتی

تغییر ساختار فضایی یکی دیگر از ویژگی‌های شهر رانتی به موازات تغییر بخش‌های اقتصادی است. گردش منابع رانت

جدول شماره ۳: مقایسه تطبیقی روند تغییرات در محدوده کالبدی و منزلت سیاسی شهرکرد (۱۳۹۳-۱۳۰۰)

سال	تغییرات مساحت (هکتار)	کل مساحت شهر (هکتار)	دوره تغییرات	ضریب افزایش دوره ای	گسترش کالبدی شهر نسبت به ۱۳۰۰	تغییرات منزلت سیاسی شهر
۱۳۰۰	۴۳/۳	۷۰	۶۰ سال	۳ برابر	-	روستا
۱۳۳۵	۷۶/۴	۱۴۶/۴	۳۵ سال	۲ برابر	۳/۵ برابر	شهر: مرکز بخش، شهرستان و فرمانداری
۱۳۴۵	۱۵۵	۳۰۱/۴	۱۰ سال	۲ برابر	۴/۵ برابر	مرکز فرمانداری کل
۱۳۵۵	۲۸۴/۳	۵۸۵/۷	۱۰ سال	۲ برابر	۸/۵ برابر	مرکز استان
۱۳۶۷	۹۷۹/۲	۱۵۶۴/۹	۱۲ سال	۲/۷ برابر	۲۲/۵ برابر	مرکز استان
۱۳۸۱	۸۶۳/۷	۲۴۲۸/۶	۱۴ سال	۱/۵ برابر	۳۴/۵ برابر	مرکز استان
۱۳۸۷	۱۶۲/۵	۲۵۹۱/۱	۶ سال	۰/۶ برابر	۳۷ برابر	مرکز استان
۱۳۹۳	۲۲۶۹	۴۸۶۰	۶ سال	۱/۹ برابر	۶۹/۵ برابر	مرکز استان

مأخذ: استخراج و محاسبه براساس اطلاعات توسعه ادواری گزارش طرح جامع شهرکرد، ۱۳۸۴ و اطلاعات سازمان آمار و انفورماتیک شهرداری شهرکرد، ۱۳۹۳



و دخالت دولت رانتهی از طریق دیوان سالاری شهری بازتاب مشخص و بارزی در ساختار فضایی شهر رانتهی بر جای گذاشته است. دخالت مستقیم و غیر مستقیم دولت ضمن تغییر اندازه و مساحت شهر و ترکیب فضاها، منشأ تغییرات کالبدی قابل توجهی در اراضی داخل و خارج از محدوده حریم شهر به صورت توسعه درون‌گرا و برون‌گرا شده است. محدوده کالبدی شهر از ۴۳ هکتار در سال ۱۳۰۰ به ۱۴۶ هکتار در سال ۱۳۵۵، ۱۵۶۵ هکتار در سال ۱۳۶۷، ۲۵۹۱ هکتار در سال ۱۳۸۷ و ۴۸۶۰ هکتار در سال ۱۳۹۳ رسیده (جدول شماره ۳) و در طول نه دهه ۶۹ برابر شده است. این تغییرات با حجم دیوان سالاری شهری و روند ارتقای منزلت سیاسی شهر همبستگی و همزمانی دارد (جدول شماره ۳). از ۴۸۶۰ هکتار اراضی و فضاها شهری در سال ۱۳۹۳ معادل ۳۷۱۰ هکتار یا ۷۶/۳ درصد سهم دولت در تولید و تملک فضا است و تنها ۱۱۵۰ هکتار یا ۲۳/۷ درصد بازتاب مداخله و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در توسعه فضایی شهر است (جدول شماره ۴).

مداخله دولت در فضا سازی شهری تنها به تولید فضا در داخل محدوده قانونی شهر محدود نیست. سازوکار رشد شهر دگرگون شده و بسیاری از اراضی بایر، موات و مملی در محدوده حریم و همین‌طور منابع طبیعی و زمین‌های کشاورزی پیرامون شهر به تملک دولت درآمده و ضمن تغییر کاربری، به اراضی یا فضاها شهری تبدیل شده است. اطلاعات سال ۱۳۸۴ سهم دست‌یازی شهر و دیوان سالاری شهری به این اراضی را تا این زمان بالغ ۱۵۰۰ هکتار می‌داند (سازمان مسکن و شهرسازی، ۱۳۸۴: ۲۸) که استراتژی توسعه آینده شهر را در اختیار دولت قرار داده است. بدین‌سان الگوی شهر رانتهی در کنار تغییرات درونی عمدتاً فرایند فضایی برون‌گرا تولید می‌کند و مرزهای شهر را از بیرون گسترش می‌دهد.

جدول شماره ۴: ترکیب فضاها شهری به تفکیک بخش‌های دولتی و خصوصی (۱۳۹۳)

نوع فضا	مساحت (هکتار)	سهم
اراضی و فضاها های بخش دولتی	۳۷۱۰	۷۶/۳
اراضی و فضاها های بخش خصوصی	۱۱۵۰	۲۳/۷
مجموع	۴۸۶۰	۱۰۰

مأخذ: سازمان آمار و انفورماتیک شهرداری شهرکرد، ۱۳۹۴

### نتیجه‌گیری

در دوره معاصر وابستگی تنگاتنگ بنیادهای ساختارشناسی شهر ایرانی به سرچشمه‌های اقتصاد رانتهی الگوی جدیدی از شهر رانتهی آفریده است. در نگاه تبیینی-هنجاری، ماهیت و ساختار

این الگو با چند ویژگی و تنگنای ساختاری بنیادی همراه است که تعیین‌کننده چالش‌های شهر معاصر ایران است.

نخست برون‌زایی یا ماهیت و منشأ بیرونی و پابان‌پذیری منابع کمیاب رانت است که در نتیجه توزیع و تخصیص (دولت تخصیص) از طریق رانت‌های فراگیر و انحصاری، پیوسته تحلیل می‌روند (تحلیل رفتن رانت)؛ دیگری خصلت غیرزایشی منابع رانت به صورت تقویت روحیه رانت‌جویی در درون یک اقتصاد چرخشی و غیرمولد است که گرایش فزاینده‌ای به توزیع، تخصیص و مصرف در فعالیت‌های خدماتی (بخش سوم) دارد و شهرنشینی خدماتی یا الگوی شهر خدماتی (شهر نوع سوم) می‌آفریند. در این الگو دستیابی به چرخه رانت بسیار مهم‌تر از کارایی تولیدی است. به‌علاوه، حاکم شدن دیوان سالاری شهری که چرخه بوروکراتیک توزیع و تخصیص رانت کمیاب محسوب می‌شود، ساختار اجتماعی و اقتصادی ویژه‌ای به صورت جامعه تک‌ساختی و سیطره مشاغل دولتی در درون این الگوی شهری به وجود آورده و ضمن تغییرات سریع در اندازه جمعیت، مساحت و ترکیب فضاها درون شهری، فرایند فضایی برون‌گرا ایجاد کرده است.

این الگوی نه تنها در تحلیل شهر و ساختارهای درون شهری (مقیاس خرد) بلکه در مقیاس کلان نقش عمده‌ای در ایجاد نابرابری توسعه، عدم تعادل فضایی و برهم زدن یکپارچگی در مقیاس استانی و ملی دارد که در ارزیابی نهایی از این الگو باید مورد توجه قرار گیرد. چنان‌چه، شهرکرد نه تنها خود الگویی از رشد ناپایدار (شهر ناپایدار) بلکه یکی از دلایل اصلی نابرابری و ناپایداری به صورت تمرکزگرایی در فضای ناحیه‌ای (استانی) است. از این منظر یکی از دلایل و عوامل نابرابری توسعه و تعادل ناحیه‌ای در ایران را باید در ماهیت اقتصاد رانتهی، دولت تخصیص و مضامین سیاست‌های توزیعی و تخصیصی جستجو کرد که در الگوی گردش رانت (از طریق هزینه‌های جاری و عمرانی) جاری است.

بر این اساس سیاست‌های آمایش شهری برای کاهش تنگنای ساختاری ناشی از وابستگی شهر معاصر ایران به منابع رانت، باید توجه ویژه‌ای نخست به سهم و نقش رانت در تأمین نیازهای اجتماعی و اقتصاد و شکل‌دهی به ساختار و ماهیت شهرها داشته باشد که اهمیت و ضرورت آن در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی (بندهای ۱۳، ۱۷، ۱۸ و ۱۹) با عنوان مقابله با ضربه‌پذیری درآمد حاصل از نفت و گاز مطرح شده است. از همین رو، استراتژی واقعی برای بازساخت بنیادهای شهری بر مبنای کاهش روابط و مناسبات وابستگی به منابع اقتصاد رانتهی باید بر مدلی استوار باشد که از طریق آن تولید اشتغال متکی بر ظرفیت‌های درونی برای رشد اقتصادهای محلی و تولیدی در شهرها فراهم آید. واضح است،

کارایی این مدل در دگرگونی اقتصاد چرخشی و رانت در حال چرخش در فعالیت‌های غیرتولیدی به سمت اقتصاد و فعالیت‌های تولیدی مبتنی بر اقتصاد محلی یا اقتصاد مولد جامعه خوداتکا که یکی از مشخصه‌های اصلی پایداری شهری است، بدون بازنگری و بازاندیشی در مناسبات ساختاری، مضامین و قوانین جاری در جریان سلطه‌جویانه اقتصاد رانتی، مسأله پیچیده و دشواری خواهد بود. سایر رهیافت‌ها برای بازساخت بنیان‌های شهر رانتی در طیف پایین چرخه رانت به قرار زیر است:

ساختارهای شهری در حال حاضر ناتوان از ایجاد سازوکارهایی است که قادر باشد از وابستگی بیرونی خود بکاهد و به منابع درونی و قابلیت‌های موجود در پیرامون و فضای ناحیه‌ای خود ارزش اقتصادی و اجتماعی دهد. بنابراین هدایت منابع رانت به فعالیت‌ها و کسب و کارهای کوچک اقتصاد محلی برای پیوند شهر و پیرامون و یکپارچگی منطقه‌ای ضروری است؛

نظام اقتصادی شهر و روحیه و رفتار رانت‌جویی جامعه شهری زمانی از تلاش بی‌وقفه برای گردش و مصرف رانت بازخواهد ایستاد که خود تولید اشتغال کند و قادر باشد به تدریج میان فعالیت‌ها و مشاغل تولیدی و خدماتی جمعیت فعال تعادلی نسبی پدید آورد. کارایی تولیدی و تولید اشتغال مولد مبتنی بر نیروهای درونی بستر پیدایی جامعه مستقل، متنوع و خوداتکا و تولید فضای متوازن است.

### پی‌نوشت‌ها

1. Rent.
2. governance.

### فهرست منابع و مراجع

۱. آذری، مصطفی و ابراهیمی، ایلناز (۱۳۸۶). چشم‌انداز انرژی در خاورمیانه و امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، تهران.
۲. استانداری چهارمحال بختیاری (۱۳۸۶)، حساب‌های اقتصادی استان چهارمحال و بختیاری، حساب تولید سال ۱۳۸۴-۱۳۷۶، معاونت برنامه‌ریزی، دفتر آمار و اطلاعات، شهرکرد.
۳. استانداری چهارمحال بختیاری (۱۳۸۷)، اعتبارات عمرانی استان: تعداد، نوع عملیات و محل اجرای پروژه طی سال‌های ۱۳۷۷-۱۳۸۵، معاونت برنامه‌ریزی، دفتر برنامه‌ریزی و بودجه، شهرکرد.
۴. اعتماد، گیتی (۱۳۶۳)، شبکه شهرهای ایران، شهرنشینی در ایران، آگاه، تهران.
۵. امیریان، سهراب (۱۳۸۵)، تحلیل نقش دولت در گسترش و تمرکز شهرنشینی در ایران (با تاکید بر دولت مدرن)، رساله دکتری، محمد تقی رهنمایی، گروه جغرافیا، دانشکده جغرافیا دانشگاه تهران.
۶. اهلرس، آکارت (۱۳۹۰)، روابط سنتی شهر و روستا در ایران، ترجمه عباس سعیدی، روابط و پیوندهای روستایی-شهری در ایران، مهرمینو، تهران.
۷. جامساز، محمود (۱۳۸۳)، «فروش ثروت ملی»، ماهنامه پیام دریا، شماره ۱۳۲، آبان ۱۳۸۳، سازمان کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران، تهران.

۸. حاجی یوسفی، امیرمحمد (۱۳۷۶)، «رانت، دولت رانتیر و رانتیرسیم»، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۲۵ و ۱۲۶، موسسه اطلاعات، تهران.

۹. حاجی یوسفی، امیرمحمد (۱۳۷۷)، «استقلال نسبی دولت یا جامعه مدنی در جمهوری اسلامی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۲، زمستان ۱۳۷۷، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.

۱۰. حسین خان، مشتاق (۱۳۸۶)، رانت‌ها، رانت‌جویی و توسعه اقتصادی، ترجمه محمد خضری، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.

۱۱. خیرخواهان، جعفر (۱۳۹۰)، «شک‌ها و لیخندهای دولت رانتیر»، ماهنامه علوم انسانی مهرنامه، سال دوم، شماره دهم، فروردین ۱۳۹۰، تهران.

۱۲. رحیمی، حسن (۱۳۸۹)، «نظریه دولت رانتیر (تحصیل‌دار) و جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات انقلاب اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۲، پاییز ۱۳۸۹.

۱۳. رهنمایی، محمد تقی (۱۳۸۸)، «دولت و شهرنشینی، مبانی و اصول کلی نظریه دولت و شهرنشینی در ایران»، فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، پیش شماره پاییز و زمستان ۱۳۸۸، دانشگاه پیام نور، تهران.

۱۴. رهنمایی، محمد تقی (۱۳۷۳)، «دولت و شهرنشینی: نقدی بر نظریه عناصر شهری قدیمی و سرمایه‌داری بهره‌بری هانس بوبک»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۳۲، بهار ۱۳۷۳، آستان قدس، مشهد.

۱۵. رهنمایی، محمد تقی؛ کلاتری، محسن و صفری لوحه سرا، پروانه (۱۳۸۹)، «بررسی نقش دولت در رشد و گسترش فیزیکی شهر ماسال با تاکید بر تغییر کاربری اراضی کشاورزی پیرامون»، فصلنامه جغرافیا، دوره جدید، سال هشتم، شماره ۲۶، پاییز ۱۳۸۹.

۱۶. زرادزاد، منصور؛ تبعه یزیدی، امین و حسن پور، فاطمه (۱۳۹۳)، «بررسی و اندازه‌گیری تأثیر درآمدهای نفتی بر درآمدهای مالیاتی در ایران»، پژوهشنامه بازرگان، شماره ۷۲، پاییز ۱۳۹۳.

۱۷. سازمان مسکن و شهرسازی (۱۳۸۴)، طرح جامع شهرکرد، شناخت وضع موجود، جلد اول و دوم، شهرکرد.

۱۸. شکاری، عبدالقیوم (۱۳۷۹)، نظریه دولت تحصیلدار و انقلاب اسلامی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران.

۱۹. ضیایی، محمود (۱۳۷۹)، تبیین جایگاه و نقش دولت در توسعه شهر و شهرنشینی در ایران، رساله دکتری، رهنمایی، محمد تقی، گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران.

۲۰. طیبیان، محمد (۱۳۷۱)، رانت اقتصادی به عنوان یک مانع اقتصادی، برنامه و توسعه، نشریه برنامه و بودجه، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۱، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، تهران.

۲۱. علی اکبری، اسماعیل (۱۳۸۳)، «دولت‌مداری در اقتصاد شهری ایران، مورد: ایلام»، مجله تحقیقات اقتصادی، دانشگاه تهران، شماره ۶۶، پاییز ۱۳۸۳.

۲۲. علی اکبری، اسماعیل و فرجی داربخانی، محمد (۱۳۸۵)، «شهرهای اداری - سیاسی و ناپایداری شهری، مورد: سرابله»، جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ۶، دانشگاه فردوسی، مشهد.

۲۳. علی اکبری، اسماعیل (۱۳۹۰)، ساختارشناسی بردارهای شهرنشینی در ایران، چاپ اول، مه‌کامه، تهران.

۲۴. فرجی داربخانی، محمد (۱۳۸۴)، مکانیزم توسعه شهری در سرابله، پایان نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی محمد تقی رهنمایی، گروه جغرافیا، دانشگاه تهران.

۲۵. فضلی نژاد، سیف‌الله و احمدیان، مرتضی (۱۳۸۹)، «اقتصاد رانتی در ایران و راه‌های برون رفت از آن»، ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، سال دهم، شماره ۱۱ و ۱۲، بهمن و اسفند ۱۳۸۹، وزارت امور اقتصادی و دارایی، تهران.

۲۶. مرکز آمار ایران، **سالنامه‌های آماری کشور - ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۵**، تهران.
۲۷. مرکز آمار ایران، **سالنامه‌های آماری استان چهارمحال بختیاری - ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۵**، تهران.
۲۸. مرکز آمار ایران، **سرشماری عمومی نفوس و مسکن - ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰**، نتایج تفصیلی شهرستان‌های استان چهارمحال بختیاری، تهران.
۲۹. مشکینی، ابوالفضل و رحیمی، حجت (۱۳۹۲)، **تحلیل مفاهیم فضا و دولت در نظریه دولت و شهرنشینی در ایران**، مدرس علوم انسانی، برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره هفدهم، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۲، دانشگاه تربیت مدرس.
۳۰. میرترابی، سعید (۱۳۸۴)، **مسائل نفت ایران**، نشر قومس، تهران.
۳۱. نصیری، معصومه (۱۳۸۳)، **نقش دولت در تحولات فضایی شهر بابل**، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۸، مؤسسه جغرافیا، دانشگاه تهران، صص ۳۱-۴۸.
۳۲. نظری، عبدالحمید (۱۳۸۳)، «نقش دولت در توسعه شبکه ارتباطی و تاثیر آن در تحول سیستم حمل و نقل روستایی با تاکید بر روابط شهر و روستا در ایران، مورد: استان گلستان»، **جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای**، سال دوم، شماره ۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
۳۳. وهابی، محمد (۱۳۸۳)، **طرح‌های واگذاری اراضی شهری و نقش آن در توسعه فضایی شهر آبدانان (از انقلاب اسلامی تا ۱۳۸۲)**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی محمد تقی رضویان، گروه جغرافیا، دانشکده علوم زمین و جغرافیا، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۳۴. ویسی، هادی (۱۳۹۲)، **درآمدی بر دولت محلی**، سمت، تهران.
۳۵. هاگت، پیتسر (۱۳۷۹)، **جغرافیا ترکیبی نو**، جلد دوم، ترجمه شاپور گودرزی نژاد، چاپ دوم، سمت، تهران.
۳۶. همایون کاتوزیان، محمد علی (۱۳۷۲)، **اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی**، چاپ سوم، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، نشر مرکز، تهران.
۳۷. همدی خطبه سرا، ابوالفضل (۱۳۸۳)، **فساد مالی و اقتصادی**، مرکز مطالعات راهبردی، تهران.

38. Michal, E. Bonine; Ehlers, Echart; Kraft, Thomas and Stober, Georg (1994), "The middle Eastern city and Islamic Urbanism: An Annotated Bibliography of Western literature" FERD, DUMLERS VERLAG, BONN.
39. Beblawi, Hazem and Luciani, Giacomo (1987), *The Rentier State in the Arab world*, Croom Helm, New York.

